

چرا انسان خوب بودن به تنهایی برای رسیدن به بهشت کفایت نمی کند؟

اگر از مردم جهان سؤال کنیم که چگونه می توانیم به بهشت راه یابیم؟ اکثر افراد که ایمان به بهشت یا زندگی پس از مرگ دارند اینگونه جواب خواهند داد: “ انسان خوب بودن”. اکثر ادیان و فلاسفه این دنیا بر اساس اخلاق بشری بنیان گذاشته شده اند. برای مثال اسلام، دین یهود و دنیای انسان گرا بر این عقیده هستند که رسیدن به بهشت وابسته به خوب بودن انسان می باشد، یا اجرای ۱۰ فرمان و یا پیروی از قانون طلایی است. اما آیا این آموزه مسیحیت است؟ یا مسیحیت نیز مانند دیگر ادیان دنیوی خوب بودن انسان را لازمه رسیدن به بهشت می داند؟ بیایید متی ۱۹: ۱۶ تا ۲۶ را بررسی کنیم. آن داستان مرد جوان و ثروتمند است.

اولین نکته ای که در این داستان قابل توجه می باشد این است که سؤال مرد ثروتمند صحیح است: “ چه کار نیکویی انجام دهم تا حیات جاویدان داشته باشم؟” با این سوال او اذعان بر این دارد که با وجود تمام تلاشهایش هنوز کمبودی احساس می کند و میخواهد بداند دیگر چه میتوان برای دست یافتن به زندگی جاویدان کرد. هرچند او سؤال صحیحی می پرسد ولی از دیدگاه اشتباهی است “ چه کار نیکویی باید انجام دهم...” او معنی اصلی شریعت را اشتباه دریافته بود، که عیسی او را متوجه آن می گرداند، و آن نقش شریعت به عنوان یک آموزه تا ظهور عیسی. (غلاطیان ۳: ۲۴)

نکته قابل توجه دوم جواب عیسی بود: او سؤال را با سؤال پاسخ می گوید. چرا او را استاد نیکو می خواند؟ در واقع عیسی می خواهد به عمق مسئله تمرکز کند و آن اینکه هیچ انسانی خوب و نیکو نیست و تنها خدا نیکو ست و کارهای نیکو انجام می دهد. همچنان که گفته شد این شخص از دیدگاه اشتباهی به موضوع نگاه می کند. و آن اینکه انسان به وسیله انجام کارهای نیک به زندگی جاوید دست می یابد. برای رسیدن به منظور اصلی خود عیسی به این جوان می گوید که او باید ده فرمان را انجام دهد و بدین وسیله عیسی نمی خواهد که پارسایی بوسیله اعمال را تبلیغ کند بلکه به این مرد نشان دهد که فهم انسان از شریعت خدا و ناتوانی انسان برای انجام آن چقدر ناقص و محدود است.

جواب آن مرد به عیسی آشکار است زمانی که عیسی به او گفت فرامین را نگه دار او پاسخ داد کدام را؟ عیسی با آرامی ضعف طریقه های مرد را بوسیله تأکید در مورد دومین قسمت فرامین خدا به او نشان می دهد و آن رابطه انسان با اطرافیان خود است. در این زمان می توان نا امید را در مرد جوان احساس کرد، وقتی جواب داد که او تمام این فرامین را از کودکی انجام داده است. در اینجا دو نکته قابل توجه است. یک: که با گفتن اینکه او از کودکی تمام فرامین را انجام داده یکی از فرامین خدا را می شکند و آن شهادت دروغ است. اگر او با صداقت بود می بایستی می گفت که هرچند تمام تلاش خود را کرده است اما هنوز هم قادر به انجام تمام احکام خدا نیست. او شناختی سطحی از قوانین خدا دارد و پر از غرور است. دوم: او واقف بر این است که اعمال نیک او کفایت نمی کنند. چون می پرسد “ چه باید بکنم؟”

اکنون عیسی با خود عادل شماری این مرد مقابله می کند. به او می گوید اگر می خواهی کامل باشی باید تمام دارایی خود را بفروشی و مرا پیروی کنی. عیسی نقطه ضعف او را پیدا می کند . وابستگی آن شخص به اموال و ثروت خود. ثروت عظیم او بت در زندگی او گشته بود. او ادعا داشت که تمام احکام خدا را انجام می دهد و در واقع اولین حکم را که نداشتن خدایی جز یهوه خدای زنده است را نمی توانست نگه دارد. مرد جوان پشت به عیسی کرد و رفت و خدای خود را که پول بود بر عیسی ترجیح داد.

عیسی به شاگردان خود رو می کند و به آنان اصلی را می آموزد. ” باز به شما می گویم که گذشتن یک شتر از میان سوراخ سوزن آسانتر از ورود یک ثروتمند به ملکوت خدا است. ” این برای شاگردان حیرت برانگیز بود. چون آنان گمان می کردند که ثروت نشانه برکت خدا است. اما عیسی به آنان نشان داد که ثروت مانع بزرگی است برای افرادی که به آن اعتماد می کنند . شاگردان می پرسند پس چه کسی می تواند نجات یابد؟ عیسی جواب می دهد که نجات تنها از طریق خدا بدست می آید. ” برای انسان ناممکن است، اما برای خدا همه چیز ممکن است. ”



پس چه کسی می تواند نجات یابد؟ اگر انسان تنها امید باشد که هیچکس! چرا نیک بودن محض کافی نیست تا به بهشت برسیم؟ چون هیچکس ” خوب ” کامل نیست تنها یکی است که نیکو است و آن خود خداست . کتاب مقدس می گوید که همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصرند. (رومیان ۳ : ۲۳). همچنین

کتاب مقدس می فرماید که مزد گناه مرگ است. (رومیان ۶ : ۲۳) . خوشبختانه خدا منتظر ما نشد تا ما به گونه ای نیکی را بیاموزیم بلکه هنگامی که ما هنوز در گناه بودیم عیسی برای گناهکاران جان خود را داد. (رومیان ۵ : ۸)

نجات بر اساس نیکی ما نیست بلکه بخاطر نیکی عیسی است. گر با زبان خود اعلام کنیم که عیسی خداوند است و در قلب خود ایمان داشته باشیم که در روز سوم بعد از مرگ از مردگان برخاست نجات را دریافت خواهیم کرد. (رومیان ۱۰ : ۹). این نجات در مسیح هدیه ای است گرانبها و مانند تمام هدایای واقعی مجانی است. (رومیان ۶ : ۲۳ – افسسیان ۲ : ۸ تا ۹). پیام خوش انجیل آن است که ما نمی توانیم با کارهای خوب خود به بهشت راه یابیم. ما باید به این واقعیت برسیم که ما گناهکاریم و از جلال خدا کوتاه آمده ایم و باید مطیع شده توبه کنیم و به عیسی ایمان بیاوریم. تنها عیسی نیکو است و لایق بهشت و او عدالت خود را به آنانی که به او ایمان می آورند می بخشد. (رومیان ۱ : ۱۷).

منبع مقاله: www.gotquestions.org